



اطلاعیه پایانی کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

بختیاری گیت حککا

خالد حاج محمدی

کنگره هفتم حزب حکمتیست در روزهای سوم و چهارم اسفند ۱۳۹۲ برابر با ۲۲ و ۲۳ فوریه ۲۰۱۴ با شرکت اکثریت نمایندگان تشکیلاتهای مختلف حزب و میهمانان کنگره برگزار شد. کنگره با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم شروع شد. سپس خالد حاج محمدی از طرف هیئت نظارت بر انتخابات نمایندگان کنگره، گزارش انتخابات را ارائه داد. کنگره به اتفاق آرا اعتبار نامه نمایندگان را تصویب کرد.

افتاحیه کنگره توسط ثریا شهابی ارائه شد. دبیر کمیته مرکزی در سخنان خود به مشخصات دوره ای که کنگره هفتم حزب در آن برگزار میشود، اشاره کرد. در این مورد به دوره پسا روحانی و دولت "اعتدال"، به دوره پسا تحریم و خطر حمله نظامی، به دوره پسا آنترناتیو سازیهای دول غربی، دوره پسا سازش دول غربی با جمهوری اسلامی، و به دوره آغاز مجدد تحرکات طبقه کارگر، بعنوان شرایطی که حزب حکمتیست در آن کنگره خود را برگزار میکند، اشاره کرد. او بعلاوه به فاکتورهایی در مورد تغییر شرایط در ایران و عطف توجه طبیفی از فعالین کمونیست و آزادیخواه به حزب حکمتیست، و نیاز بالفعل و روز طبقه کارگر به تحزب کمونیستی خود، اشاره کرد و کنگره را نشستی در پاسخ گویی به نیازهای این دوره دانست.

در ادامه، پیام سامان کریم عضو رهبری حزب کمونیست کارگری عراق، قرائت شد. سامان کریم در پیام خود، از جمله به تحولات در منطقه اشاره دارد. او به اهمیت کار کمونیستی در میان طبقه کارگر و به این مسئله که حزب حکمتیست بعد از کنگره چقدر میتواند در مسیری گام بگذارد که تأثیراتش بر طبقه کارگر مشهود باشد و به سوالاتی که در مقابل حزب است جواب دهد، بعنوان مسئله گری اشاره کرد.

کنگره پس از تصویب آئین نامه و دستورات خود با تعیین هیئت رئیسه رسماً آغاز به کار کرد.

پخش سریال "سرزمین کهن" از شبکه ۳ جمهوری اسلامی و اعتراضاتی که در تعدادی از شهرها به نام اعتراض به "توهین به بختیاری ها" راه افتاد، مباحثی در میان نیروهای سیاسی را بدنبال داشت. آنچه اینجا و در برخورد به این اتفاق مورد بحث من است، نقد یک دیدگاه در میان چپ ایران است که تاریخی به قدمت تاریخ خود این چپ را دارد و امروز حزب کمونیست کارگری ایران روشنتر از هر جریانی آنرا نمایندگی میکند. دیدگاهی که به بهانه مخالفتش با جمهوری اسلامی پشت هر تحرک ارتجاعی، ناسیونالیستی و حتی فاشیستی می رود و آنرا توجیه میکند.

این حزب طی اطلاعیه ای زیر عنوان "توهین صدا و سیما به مردم منتسب به بختیاری را محکوم میکنیم!" مینویسد: "این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی و ارگانهایش بخشی از مردم را مورد توهین قرار میدهند و هر بار با اعتراض بحق مردم مواجه میشوند. حزب کمونیست کارگری توهین به مردم توسط صدا و سیما حکومت را شدیداً محکوم میکند. حزب از همه مردم شریف شهرهای استانهای جنوب و سراسر کشور میخواهد که جمهوری اسلامی و صدا و سیمایش را محکوم کنند."

صفحه ۳



مظفر محمدی

زنگها برای که صدا در میان؟

یکی از کارکنان صنعت نفت خودش را سوزاند! خبر ساده است. مثل همیشه. مثل اخبار روزمره در حاشیه روزنامه ها...

میشه عصبانی شد. میشه گریه کرد. میشه به جمهوری اسلامی فوش داد. میشه نظام سرمایه داری را نفرین کرد. میشه ... که بعضی ها بیرون از کارگرا دارن می کنن.

ولی هیچکدام از این ها جواب این درد نیست. این درد فقط یه جواب داره: کارگر تنها هیچی نیست. کارگر بطور فردی منزوی و ضعیفه. ضعیف تر از همه. اگر یک شاعر، یک اهل قلم، حتی یک بچه بورژوا خود کشی کنه، صداهش در سرتاسر دنیا می پیجه. حتی کاخ سفید بیانیته میده... کارگر چی؟ کرور کرور در معادن دفن میشن.

حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی این حزب نیز نوشته است: "پخش یک برنامه تلویزیونی اهانت آمیز به بخشی از مردم جامعه با دو نوع عکس العمل متناقض روبرو شده است: اعتراض به جمهوری اسلامی بوسیله بخش وسیعی از مردم منسوب به بختیاری و دفاع از "آزادی بیان" جمهوری اسلامی بوسیله بخش کوچکی از نیروهای منسوب به "چپ"! و این مناسفانه اولین بار نیست! هر زمان جمهوری اسلامی به مردم

صفحه ۴

کارگر ان جهان متحد شوید

اینکار به دفاع پرشور حزب کمونیست کارگری و رهبران آن نیازی ندارند. پاتک حمید تقوایی در جواب به نفعدهای کمونیستی از این سیاست که گویا نقد این سیاست راست "دفاع از آزادی بیان جمهوری اسلامی" است پوچ تر از آن است که هیچ انسان فهیمی را قانع کند. این نوع پاتکهای حمید تقوایی و سایر اعضا رهبری این حزب صرفا مصرف داخلی در توجیه دفاعشان از تحرکات عقب افتاده، دارد. "آزادی بیان" و آنهم دفاع از آزادی بیان "جمهوری اسلامی" را پیش کشیده اند تا در جنگی که حقیقت ندارد خود را برنده و دیگران را زمین خورده جلوه دهد و سرانجام به روش مجاهد با چهار انگ "پاسیو"، "طرفدار رژیم" و "راست" در دنیای حقیر خود فضا را آلوده کنند، تحریک احساسات کنند و دون کیشوت وار از این جدال هم پیروزمند بیرون بیایند. توجیه این حزب در دفاع از یک تحرک عقب مانده، جنایتکاری جمهوری اسلامی و اعتراض مردم به این رژیم است. " دشمن دشمن من دوست من است" و "هدف وسیله را توجیه میکند" استدلالات اپورتونیستی شناخته شده ای است. استدلالی که میتوان با اتکا به آن از هر تحرک ارتجاعی علیه دولتهای مستبد دفاع کرد. در سالهای ۱۹۳۲ بخشی از طبقه کارگر آلمان در اعتراض به فقر و بی حقوقی پشت هیتر رفت. بخشی از طبقه کارگر و مردم محروم عراق در ضدیت با دولت صدام حسین، پشت جریانات اسلامی و مقتدا صدر رفت. بخشی از مردم محروم در جامعه ایران در اعتراض به دولت پهلوی و جنایات آنها پشت جنبش ارتجاع اسلامی و خمینی رفتند. و بخشی از مردم محروم در لیبی در اعتراض به دولت قذافی، در سوریه در اعتراض به دولت اسد، در مصر در اعتراض به دولت مبارک، پشت ناتو، جبهه النصر و اخوان المسلمین رفتند. بر اساس استدلال این در تمام این تحرکات کارگر و کمونیست میبایست در اعتراض به دولتهای جنایتکار حاکم پشت مرتجعینی مانند، مقتدا صد، خمینی، نیروهای ناتو، جبهه النصر و اخوان المسلمین میرفتند، کاری که خود این حزب از لیبی و سوریه گرفته تا تحرکات ناسیونالیستی در کردستان، در آذربایجان و خوزستان کرد. اگر طبقه کارگر، مردم محروم از سر ناآگاهی، از سر نفوذ جریانات ارتجاعی ملی و قومی به دامن تعصبات کور قومی می افتند، اگر مردم در تنگنا قرار گرفته از سر استیصال و بی افقی دست به دامن هر جریانی میشوند و به صف ارتجاع می پیوندند، این حزب ظاهرا چپ و کمونیستی به نام کارگر و کمونیسم به بهانه دفاع از نفرت مردم از جمهوری اسلامی و ضدیت با جمهوری اسلامی به تفرقه قومی

→ آذربایجان و با خوزستان و کردستان و لرستان و هر بخشی از جامعه که دولت و فرهنگ حاکم آنها را "غیر فارس" میدانند توهین و تبعیضی روا داشته و اعتراضات مردم را بر انگیزته است عده ای هم تحت لوای دفاع از آزادی بیان و یا مبارزه با ناسیونالیسم و قومی گرایی عملا در برابر مردم معترض و در کنار رژیم قرار گرفته اند"

سریال "سرزمین کهن" روایت جمهوری اسلامی از تحولات تاریخ معاصر ایران به زبان آنها و علیه هر نوع آزادیخواهی و چپ و کمونیسم آن جامعه است. در این میان در گوشه ای از این سریال به دوران عشایر بختیاری اشاره شده است و از "سردار اسعد بختیاری" به نام مدافع "رژیم پهلوی و جاسوس انگلیس" نام برده اند. بدنبال این ماجرا ابتدا تعدادی از نمایندگان مجلس به "توهین به ایل بختیاری" اعتراض کردند و طومار نوشتند و بدنبال در بعضی از شهرهای جنوب ایران تحرکاتی در اعتراض به این ماجرا راه افتاد. ترکیب معترضین هر چه باشد و هر اندازه آنها به حق از جمهوری اسلامی نفرت داشته باشند، رفتن زیر پرچم توهین به "بختیاری ها" و آنهم به سران عشایر و مرتجعینی که دست کمی از سران خود جمهوری اسلامی در ضدیت با کارگر و توده مردم زحمتکش نداشته اند، چیز جز رفتن زیر پرچم تحرکی ارتجاعی نیست. دفاع از این تحرکات با هر توجیهی منجمله ضدیت با جمهوری اسلامی و ولی فقیه و ...، و تشویق مردم برای پیوستن به آن، چیزی جز دامن زدن به تفرقه و تحریک قومی نیست، کاری که حزب کمونیست کارگری انجام میدهد. در دنیای واقعی در دل این ماجرا حزب کمونیست کارگری در کنار اشخاص و جریانات قومی، روشنفکران عاشق عهد عتیق و ناسیونالیست که تاریخ و جنگ و جدالهای دوران ایل خانها و عشایر و مرتجعینی امثال "سردار اسعد بختیاری" را مایه افتخار خود میدانند، ایستاد. زمانی که مرتجعین از مجلس جمهوری اسلامی و تا شهرهای مختلف جنوب ایران، توهین به سران و قبایل را بهانه ای برای تحریک قومی و تحمیل عقب گرد به جامعه و مردم محروم و ناآگاه قرار داده اند، درخواست دفاع از آنها چیز جزمی است از این تحرک ارتجاعی نیست. این تحرک و تحریکات حول آن قبل از هر چیز ابزار انشقاق قومی و شقه شقه کردن کارگر و مردم محروم و برجسب هویت کاذب قومی زدن بر پیشانی آنها است. کاری که روزانه توسط رسانه های بورژوازی و گروههای ناسیونالیستی در دنیا اتفاق می افتد و برای

آزادی برابری حکومت کارگری

دستورات کنگره عبارت بودند از:

- ۱- گزارش
- ۲- اوضاع سیاسی، موقعیت حزب و دورنمای فعالیت آن
- ۳- اصول سازمانی
- ۴- قرار و قطعنامه ها
- ۵- انتخابات کمیته مرکزی

گزارش کمیته مرکزی توسط ثریا شهبانی دبیر کمیته مرکزی به کنگره ارائه شد. لازم به ذکر است، گزارش کمیته های اصلی حزب، و همچنین خزانه داری حزب، پیش از کنگره کتبا در اختیار نمایندگان کنگره قرار گرفته بود. ثریا شهبانی در گزارش خود به عرصه های اصلی کار حزب در فاصله دو کنگره، به پروژه هایی که کمیته مرکزی در دستور خود گذاشته بود و همچنین تأثیرات کار ما و میزان پیشروی حزب در این دوره و به موانع و مشکلاتی که در عرصه های مختلف داشته ایم پرداخت. دبیر کمیته مرکزی همچنان به اوضاعی که ما در آن قرار داشتیم و تأثیرات آن بر پراتیک ما و به روی آوری در این دوره به حزب اشاره کرد. بعد از دبیر کمیته مرکزی، ابتدا اعضا کمیته مرکزی و دبیران کمیته های مختلف، در تکمیل گزارش نکاتی را به اطلاع حاضرین در کنگره رسانند. پس از آن، شرکت کنندگان در کنگره در مورد کارکرد حزب در این دوره به جنبه های مختلف کار ما و خصوصاً به تأثیرات فعالیت های حزب و سیاست های آن در جامعه ایران، صحبت و اظهار نظر کردند.

مبحث دوم کنگره اوضاع سیاسی ایران، موقعیت حزب و دورنمای فعالیت آن بود. آذر مدرسی معرف این بحث بود. آذر مدرسی در سخنان خود به تغییرات در صحنه سیاست و آرایش سیاسی در جامعه، موقعیت جریانات بورژوازی راست و چپ، بی اعتباری افق های بورژوازی در جامعه، موقعیت طبقه کارگر در دوره اخیر و تغییر بالانس قدرت میان طبقه کارگر و جمهوری اسلامی، به میدان آمدن طبقه کارگر در مراکز اصلی تولید، تبدیل جدال اصلی در جامعه به جدال طبقه کارگر و بورژوازی حاکم در ایران و نیروهای سیاسی نماینده این دو طبقه اشاره کرد. آذر مدرسی به سوالات و مسائل جدیدی که در مقابل طبقه کارگر و کمونیستها قرار گرفته و همچنین در رابطه با شانس کمونیسم بعنوان آلترناتیو طبقه کارگر در مقابل بورژوازی، اینکه امروز طبقه کارگر بیشتر از هر زمانی به افق کمونیستی، انقلابیگری و رادیکالیسم کمونیستی، و حزب ما بعنوان نماینده این کمونیسم جلب توجه کرده است اشاره کرد. آذر مدرسی تأکید کرد که کنگره و حزب باید

با تشخیص مختصات ایندوره و به رسمیت شناختن موقعیت مناسب حزب، خود و حزب را برای جواب دادن به مسائل جدید و به استقبال دوره جدید آماده کند، خود و رهبری آتی حزب را در موقعیت جواب دادن به این سوالات و مسائل در همه سطوح آن قرار دهند. بدنبال حاضرین در کنگره از زوایای مختلف به دوره کنونی، مختصات آن، موقعیت طبقه کارگر و کمونیستها در جامعه،

گره گاه های اصلی در راه پیشروی این طبقه در مبارزه علیه بورژوازی و به وظایف کمونیستها و حزب حکمتیست در این دوره پرداختند.

دستور جلسه بعدی کنگره اصول سازمانی حزب بود. این بحث توسط خالد حاج محمدی معرفی شد. خالد حاج محمدی اشاره کرد که

از کنگره پنجم حزب حکمتیست، تکمیل و آماده کردن اصول سازمانی حزب در دستور رهبری حزب حکمتیست بود. و اشاره کرد که کمیته مرکزی در این دوره با جمع کردن قرارها و مقررات مختلفی که توسط کنگره ها و ارگانهای رهبری حزب، تا پیش از کنگره هفتم، به عنوان موازین کار حزب تصویب شده بود، اصول سازمانی حزب را بعنوان یک سند جامع تهیه و تکمیل کرده است.

خالد حاج محمدی با اشاره به نکاتی از اصول سازمانی و ماده های مکمل سخنان خود را به پایان رساند. بدنبال آن نمایندگان کنگره و مهمانان در نوبتهای خود به جنبه های مختلف اصول سازمانی پرداختند. سرانجام کنگره به اتفاق آرا اصول سازمانی را که توسط کمیته مرکزی آماده شده بود را تصویب کرد.

در مبحث قرار و قطعنامه ها، کنگره دو قرار را به تصویب رساند.

قرار اول در مورد تدقیق نام حزب حکمتیست بود. این قرار که از طرف کمیته مرکزی پیشنهاد شده بود، توسط امان کفا به این ترتیب معرفی شد که: با توجه به اینکه حزبی دیگر از دو سال قبل با نام حزب حکمتیست شروع به فعالیت کرده است، و با توجه به اغتشاشی که این ماجرا بوجود آورده است، و با توجه به اهمیت متمایز کردن خود از جریانی که منتقد این حزب و خط و سیاست رسمی آن بوده است، نام حزب لازم است که تدقیق شود. پس از اظهار نظر نمایندگان در مورد این قرار کنگره با اکثریت آرا نمایندگان حاضر تصویب کرد که نام حزب حکمتیست، با اضافه شدن پسوند "خط رسمی" به آن، تدقیق شود. لذا اسم "حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست" به "حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست(خط رسمی)" تدقیق شد.

کنگره همزمان به کمیته مرکزی منتخب کنگره هفتم، مسئولیت داد که از طرف کنگره و با توجه به مباحثات جدی آن، دو پیام به مردم آزادیخواه ایران و به طبقه کارگر ایران منتشر کند.

کنگره در تمام اجلاسهای خود فرصتی را برای مهمانان و اظهار نظر آنها در نظر گرفته بود. در این فرصتها مهمانان کنگره در

ششم اسفند ۱۳۹۲- ۲۵ فوریه ۲۰۱۴

**حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
(خط رسمی)**

زنگها برای که بصدا در میان؟

از داربست پایین میفتن، لای ماشین دست و پاشون قطع میشه، ساختمان کارخانه و معدن روسرون خراب میشه، له و لورده میشن...، کاخ سفید و اتحادیه اروپا و هیچ موسسه حقوق بشری صداشون در نمیداد. حادثه است، حوادث کار است. به کسی چه مربوط! واقعا به کسی چه مربوط؟

کارگر تنها په برده اس. تا لازم باشه بکارش میکنن. لازم نشد پرتش میکنن گوشه ی خیابون. این یعنی کشتن خودش و همه ی اعضای خانواده ش. به کسی چه مربوط! این قانون کار سرمایه داری است و هیچ جای گلگی نداره...

جواب این درد جای دیگه س. جوابش اینه کارگر تنها نشه. قدرت کارگر در کارگر بودنش نیست. در یک طبقه بودنشه. در با هم بودنشه. در تجمعشه. در کارخانه س. وقتی کشیشی میبیره، زنگ همه کلیساها به صدا در میاد. وقتی کارگری کشته میشه، با به خودکشی کشیده میشه، زنگ هیچ کارخانه ای به صدا در نمیداد. هیچ کارخانه ای یک دقیقه سکوت نمیکنه...

کارگر یا کارمند صنعت نفت خودشو میسوزونه. ضجه های این کارگر تنها، لای سرو صدای ماشین ها، تو دود دودکش های پالایشگاه های عظیم گم میشه، دود میشه و هوا میره.

اینجا صنعت نفته. کارگاه تراشکاری محله ما نیست، کارگر ساختمانی چهار کوچه اونورتر نیست. صنعت نفته. اگر بخواد جامعه را میخوابونه. اگر بخواد رژیم را میاره پایین. مگر همین صنعت نفت نبود که به قصه دوست و دشمن گلوی رژیم سرمایه داری را فشرده و تمومش کرد.

درد اینجا است و درمان هم اینجا است. کارگران صنعت نفت رفیقشان که ۳۰ سال و شاید بیشتر کنارشون بوده، می بینند خودکشی کرده. اما زنگ کارخانه های این صنعت

عظیم بصدا در نیامد. به ما چه مربوط! درد اینجا است.

گیریم صد هزار، پانصد هزار کارگر تو صنعت نفتن. و چند برابر اون در صنایع بزرگ و کوچک دیگه. اما تا زمانی که این چند ده میلیون، تک تک کارگرای تنهان، هیچی نیستن. یکی، یکی، گروه گروه و نسل بعد از نسل فنا میشن و اتفاقی نمیفته. چرا، اتفاقی میفته. دودکش کارخانه ها بلند و بلندتر میشن و خون و عرق کارگر ریال و دلار و طلا میشه تو کیسه ها و بانک های سرمایه داران...

و این سرنوشت کارگر جماعته تا وقتی تنها و منفرد و تا وقتی که این و آن صنف بدبخت بیچاره س. درد اینجا است. جای دیگه دنبالش نگردیم. از مشقات و بدبختی های کارگر نگیم. کارگر منفرد بخودی خود بیچاره س. گفتن نداره. از افشای سرمایه داری و جنایات جمهوری اسلامی نگیم. گوش همه پره از این حرفا. از نظم و نظام سرمایه داری گلگی نکنیم. چه جای گلگی است. چه کسی بهتر از مارکس بیش از یک قرن پیش رابطه کار و سرمایه و وارونگی این جهان را توضیح میده... "کارگران جهان متحد شوید!"

درد کارگر تنها و منفرد، منزوی وضعیفه. درد اینجا است. جای دیگه دنبالش نگردیم. سراغ روحانی نریم که به داد کارگر منزوی و مفلوک برسه. بریم سراغ خودمان و یقه همدیگر را بگیریم. سر همدیگر داد بزنیم. حتی اسمشو نمیکن. میگن یه کارگر فلان جا کارگران سر همدیگه داد بزنن. یقه ی همدیگر را پاره کنند که چرا کارگر منفرد و تنها است؟ از من خرده نگیرید و نگید جاش گرمه. اینو تک تک تون بهتر از من میدونین که اگر گرگ ها به گله گوسفند حمله کنند و گله پشت به پشت هم بدن گرگ ها را فراری میدن. گوسفند را میگویم که ضعیف تره نه گاو میش های عظیم الجثه. گرگ ها شگرد سرمایه دارها رو دارن. تا یکی یا چند تارا از گله جدا نکنن، نمیتونن کلکش را بکنن. سرمایه دارا تک تک ما را جدا جدا و دسته دسته از جمعیت عظیم مون جدا می کنن و شکم مون را میدرن. گروه گروه اخراجمون می کنن. ۶ ماه دستمزد ناچیزمون نمیدن. حتی قراردادی با ما نمی بندن. داخل آدم حسابمون نمیکنن. این بلا را سر همه ما در آوردن و مدام میارن. قدرت کارگر در تجمعشه، در با هم بودنشونه. تا این نشه، کارگر منفرد و تنها طعمه ی گرگ های سرمایه س. کجاست این قدرت؟ کجاست قدرت طبقه کارگر که اگر جمع باشه، خودشو سازمان بده یک روزه دماراز روزگار هر سرمایه دار و حکومتشو در میاره.

دردمان اینجا س. به کسی فوش ندیم، از کسی گلگی نکنیم. از دولت سرمایه داران توقع خاتمه دادن به فقر و فلاکت و بیکاری و مریضی و اعتیاد و فحشای خانواده هامون و کشتن و به خودکشی کشاندن همسروشتامون نداشته باشیم. برای دلیل خودسوزی رفیقمون، برای فنا شدن رفیقمون، دست به دامن روحانی و برادران لاریجانی و ... نشیم. دست به دامن خودمان بیفکنیم و پاره ش کنیم. در کارخانه ها تجمع کنیم. چرخ های کارخانه ها را متوقف کنیم. زنگ ها را بصدا در بیاریم. این قدرته!

اگر این اتفاق بیفته هیچ کارگری خودش را نمیسوزونه. خودش را تنها و منفرد و مفلوک و مایوس نمی بینه. هر کارگری اگر خودش را عضو طبقه اش بدونه. عضو مجمع عمومی عظیم کارخانه اش بدونه، احساس قدرت می کنه. تا حالا دیدین یک سرمایه دار، یک بورژوا و صاحب کارخانه و وزیر و وکیل و قاضی سرمایه دارا از فقر و استیصال خودش را بسوزاند؟ نه. اونا پشتشون به پشت همه. اما اگر قدرت کارگر در تجمع و با هم بودنش دیده بشه ورق بر می گرده. آنوقت اونا که باید گورشون رو گم کنند.

این ورق بر می گرده اگر زنگ ها به صدا در بیان. زنگ ها برای که به صدا در میان؟ برای بورژواها، کشیشان، امامان یا برای کارگری که وقتی خبر "حادثه" خودسوزیشو در گوشه ی روزنامه شون با خط ریز میدن حتی اسمشو نمیکن. میگن یه کارگر فلان جا مرد، از داربست پایین افتاد، لای چرخ ماشین له شد، زیر آوار رفت... یه کارگر! یا چند ده و چند صد کارگر، فرقی نمیکنه. برای اونا یه کارگره. کارگران تنها، منفرد، ضعیف و مایوس!

زنگ ها را به صدا در بیارید! گوش فلک را کر کنید. نشان بدید کارگر تنها نیست. یک کارگر نیست. یک طبقه است. اگر دستم به شما ده ها هزار کارگر صنعت نفت و حتی تنها صنعت نفت می رسید، یقه همه تون را پاره می کردم، ضجه کارگر در آتش تنهایی سوخته را تو گوش رهبر اتون، کمونیست ها و سوسیالیست هاتون فریاد می زدم که امروز زنگ ها را بصدا در بیارید. فردا دیره.

نشریه حزب حکمتیست
سردبیر آذر مدرسی

حکمتیست
هفتگی

تماس با سردبیر:

azar.modaresi@gmail.com

تماس با حزب حکمتیست:

hekmatistparty@gmail.com

www.hekmatist.com

مکمتیست هر دوشنبه منتشر میشه.
مکمتیست را بفهمنید و آنرا وسیعاً توزیع کنید.

زنده باد انقلاب کارگری